

شاكلة اسلامی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب؛

گامی بلند برای تحقق اقتصاد مقاومتی

حسین درّی نوگورانی^۱

اولین همایش بین المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

تجربه تاریخی مؤید افول انقلاب‌ها و فروپاشی نظام‌های انقلابی در بسیاری از مقاطع تاریخی است. انقلاب و نظام جمهوری اسلامی نیز در معرض آزمون تاریخی ماندگاری یا پیری و افول قرار دارد.

بیانیه گام دوم انقلاب که با برخی اسناد تاریخی کشور در دوران امام راحل (ره) مقایسه شدنی است، تلاشی مجدانه و حکمت‌آموز در مسیر گام‌سپاری پس از چهل سال پرتلاطم نظامی است که با وجود شدیدترین خصومت‌ها از سوی سلطه جهانی، به ویژه آمریکا، به جای روبه افول گذاشتن، شکفتگی و شکوفایی اش شگفتی‌آفرین شده است؛ بیانیه‌ای که صرف نظر از رهبری و ولایت فقیه، از سوی شخصیتی خطاب به ملت ایران صادر شده است که شایستگی کامل صدور چنین متنی را دارد.

اقتصاد مقاومتی «آرمان» اسلامی است و از آنجاکه، گام دوم در واقع، گام بزرگ دوم به سوی «آرمان‌ها» است، اقتصاد مقاومتی یکی از اهداف و جهت‌گیری‌های آن به شمار می‌آید و شایسته است به طور ویژه، درباره آن بحث شود؛ در متن بیانیه نیز به این امر اشاره شده است. با جمع‌بندی و کنار هم قراردادن «ویژگی‌های مطلوب» و همچنین «راه‌حل‌های کلیدی» ارائه شده برای حل مشکلات در متن بیانیه، به استقلال و عزت، درون‌زایی، مولدشدن، توزیع عدالت‌محور، مصرف به اندازه و بی‌اسراف، دانش‌بنیان‌شدن، مردمی‌کردن، برون‌گرایی و مناسبات مدیریتی خردمندانه، برای طی کردن درست مسیر پیش‌رو، تأکید ویژه شده است. در مقاله پیش‌رو، به برخی آیات و روایات که تا حدی این امور شاكلة‌ساز را در بینش اسلامی معرفی می‌کنند، اشاره شده و در پایان نیز به برخی مصادیق کاربردی مستنبط (برگرفته شده) از آنها پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

اقتصاد اسلامی، بیانیه گام دوم، اقتصاد مقاومتی

۱. استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)



مقدمه

برخی انقلاب‌ها پس از شکل‌گیری در مقاطعی تاریخی به اهداف خود نمی‌رسند و ناکام می‌شوند و افول می‌کنند و در مواردی نیز جریان ضد آنها حاکمیت می‌یابد. در برخی مقاطع نیز برخی انقلاب‌ها به تمامی یا برخی اهداف خود دست می‌یابند و با کامیابی، نظام‌سازی و استمرار را تجربه می‌کنند. فروپاشی شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ که با پیروزی انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷، زمینه‌های شکل‌گیری آن فراهم شد و در سال ۱۹۲۲ تشکیل شد و بلوک اصلی قدرت جهانی در جهان دوقطبی را ایجاد کرد، نمونه معاصر بارزی از این تجربه در سطح بین‌المللی است؛ تجربه‌ای که امکان ظهور و سقوط بلوک قدرتمند جهانی را در دوره‌ای تقریباً متناظر با عمر یک انسان عادی، نشان می‌دهد. سرنوشت انقلاب مشروطه در ایران (۱۲۸۳ ش. تا ناکامی در ۱۲۸۷ ش. با حمله به مجلس) و شکل‌گیری استبداد پس از آن نیز تجربه معاصر کشورمان است.

با ملاحظه همین تجربه‌های تاریخی، مقام معظم رهبری (مدظله) در وهله‌ای، از چگونگی تحلیل مسئله پیری و جوانی نظام سخن گفتند. «هر موجود زنده‌ای دوران جوانی‌ای دارد، دوران پیری‌ای دارد. وضع نظام اسلامی در این زمینه چیست و چگونه خواهد شد؟ آیا نظام اسلامی پیر خواهد شد؟ فرسوده خواهد شد؟ از کار افتاده خواهد شد؟ برای اینکه چنین وضعی پیش نیاید، آیا راهی وجود دارد؟» (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

به نظر می‌رسد بیانیه گام دوم انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ تلاشی مجاهدانه در ترسیم کلی راهی است که نه تنها نظام اسلامی را از پیری و از کار افتادگی بازمی‌دارد بلکه، به استواری، شکوفایی، تناور شدن و بالندگی فراگیر آن می‌انجامد. این بیانیه برای ادامه راه روشن‌طی شده پیشرفت انقلاب اسلامی و «از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی»، دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته را تبیین کرده است و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» را دربر دارد. بیانیه «گام دوم انقلاب»، تجدیدمطالعی است خطاب به ملت ایران، و به‌ویژه جوانان، که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد.



برخی اسناد پیشین متناظر با بیانیه گام دوم

محتوای بیانیه «گام دوم» مقام معظم رهبری (مدظله) «خطاب به ملت ایران»، و با تمرکز بر جوانان، با مکتوباتی از امام راحل (ره)، نشان‌ها و اشتراک‌های فراوان و آشکاری دارد. «سیاست‌های کلی نظام اسلامی در دوران بازسازی کشور» مورخ ۱۳۶۷/۷/۱۱ و «منشور روحانیت» در ۳ اسفند ۱۳۶۷ که آن هم «خطاب به ملت ایران» صادر شد و نیز از آن جمله‌اند.

نسبت اقتصاد مقاومتی با گام دوم انقلاب اسلامی

فرازهایی از بیانیه گام دوم، به موضوعات اقتصادی اختصاص یافته و در این میان، در بخش سوم توصیه‌ها، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به‌عنوان راه‌حل مشکلات اقتصادی کشور تصریح شده است.

برای درک نسبت اقتصاد مقاومتی با گام دوم انقلاب، ملاحظه دو آموزه از بیانات مقام معظم رهبری (مدظله) مفید است.

مرحله‌بندی تحقق و پیشرفت انقلاب اسلامی

فرایند ایجاد نظامی که بتواند اهداف انقلاب اسلامی را تحقق بخشد، یک زنجیره منطقی طولانی و دشوار است.

گام‌های این فرایند عبارت‌اند از:

- حرکت و جنبش انقلاب اسلامی که با وجود دشواری، آسان‌ترین گام و دگرگونی بنیادی در این زنجیره پیروزی قلمداد می‌شود؛

- تحقق نظام اسلامی مبتنی بر انقلاب اسلامی (پیاده‌کردن طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی) هندسه عمومی و ترتیب اداره اسلامی جامعه با جایگزینی نظام دینی تقوایی مردمی‌گزینشی به‌جای نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته با شکل کلی معین شده در قانون اساسی؛

- تشکیل دولت (قوای سه‌گانه) اسلامی به‌معنای حقیقی، با تشکیل تدریجی و با تلاش منش و روش دولت‌مردان در انطباق با ضوابط و شرایط مسئول دولت اسلامی؛

- ایجاد کشور / جامعه اسلامی با استقرار عدالت، نفی تبعیض، ریشه‌کن شدن فقر، ایجاد عزت حقیقی برای مردم و ارتقای جایگاه بین‌المللی (مرحله تالو و تشعشع نظام اسلامی)؛
- شکل‌گیری دنیای اسلامی / تمدن بین‌الملل اسلامی / امت اسلامی، با الگوشدن این کشور.

در این سال‌ها، جمهوری اسلامی ایران اکنون در مرحله سوم از مراحل «دولت اسلامی ← کشور اسلامی ← تمدن اسلامی ← فرهنگ اسلامی» به سر می‌برد و یکی از مشکلات نگران‌کننده برای نظام اسلامی ممکن است «ناکارآمدی در نگاه جهانی» باشد.
گام دوم گامی بلند برای پیمودن مراحل بعدی و دومین گام بزرگ به سوی آرمان‌هاست که انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) هست»، نزدیک خواهد کرد (بیانات، ۱۳۸۴/۵/۲۸ و ۱۳۹۰/۷/۲۴).

ماهیت آرمانی اقتصاد مقاومتی

براساس رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله)، اقتصاد مقاومتی، همیشگی و به معنای مقاوم‌سازی و محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد در شرایط تحریم و غیرتحریم است (بیانات، ۱۳۹۳/۱/۱). مجموعه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز «درواقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی ماست؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است... این یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور است. می‌تواند اهداف نظام جمهوری اسلامی را در زمینه مسائل اقتصادی برآورده کند؛ می‌تواند مشکلات را برطرف کند؛ در عین حال، پویا هم هست»^۱ این سیاست‌ها تدبیر مقطعی نیست؛ بلکه، تدبیر بلندمدت و سیاست راهبردی است که حتی برای دوران بدون تحریم نیز مفید خواهد بود (بیانات، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

در جمع‌بندی رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله)، اقتصاد مقاومتی، به صورتی که در ادامه می‌آید، تعریف می‌شود:

اقتصاد آرمانی باز (بدون محصورکردن کشور) و مستقلی که دارای خاصیت مقاومت مدبرانه در مقابل کارشکنی و خباثت دشمن و آسیب‌ناپذیر در برابر بحران‌ها و نوسانات

۱. «اصل تحول و پیشرفت را همیشه باید مقابل چشم داشته باشیم. ایستایی جایز نیست؛ باید دائم پیش برویم و پیشرفت بکنیم، منتها در جهت اهداف انقلاب و اهداف دین» (بیانات، ۶/۳/۱۳۹۵).

بین‌المللی باشد، و در شرایط فشار و دشمنی‌ها بتواند علاوه بر کاهش آسیب‌پذیری کشور در مقابل ترفندهای دشمنان و نوسانات جهانی که همیشگی و به شکل‌های گوناگون خواهد بود، تضمین‌کننده روند روبه‌رشد و شکوفایی کشور (متضمن افزایش ثروت ملی) باشد (دری، ۱۳۹۲: ۱۶۳). به‌علاوه، طبق بیانات مقام معظم رهبری (مدظله):

«آرمان‌های نظام اسلامی، که درحقیقت، آرمان‌های اسلامی است، یک منظومه‌ای است، یک مجموعه‌ای است، مراتب مختلفی هم دارد؛ بعضی از اینها، اهداف غایی‌تر و نهایی‌ترند، بعضی‌ها اهداف کوتاه‌مدت‌اند، ولی جزو آرمان‌هایند؛ همه اینها را باید دنبال کرد. مثلاً فرض بفرمایید جامعه عادلانه و عادل و پیشرفته و معنوی - با این خصوصیات - خب، یک آرمان است؛ جزو آرمان‌های درجه یک و جزو برترین آرمان‌هاست. ... یک آرمان دیگر، اقتصاد مقاومتی است که نسبت به آرمان قبلی که گفتیم [ایجاد جامعه‌ای با اداره عادلانه، عادل در درون خود، پیشرفته و معنوی] یک آرمان خرد است. با اینکه خود اقتصاد مقاومتی چیز مهمی است، ولی، درواقع، در ذیل آن آرمان قبلی تعریف می‌شود» (بیانات، ۱۳۹۲/۵/۶).

براین اساس، اقتصاد مقاومتی «آرمان» اسلامی است و همان‌گونه که تصریح شد، گام دوم گام بزرگ دوم به‌سوی «آرمان‌ها» است، اقتصاد مقاومتی در گام دوم به‌عنوان یکی از اهداف و جهت‌گیری‌ها به‌شمار می‌آید و خود موضوعیت ویژه دارد.

سرفصل‌های اساسی بیانیه گام دوم و جایگاه و نقش اقتصاد در آن

یک دسته‌بندی موضوعی، سازمان‌دهی محتوایی بیانیه گام دوم به این صورت بیان می‌شود:

- پیشینه؛
- ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران؛
- گام‌های برکت‌آفرین تحقق جمهوری اسلامی؛
- پیش‌توصیه و توصیه‌های اساسی؛
- راهکار دشمن و وظیفه آینده و راهبرد لازم جوانان.

دراین میان، سرفصل‌های اساسی توصیه‌ها در این بیانیه، در هفت محور اصلی تقسیم‌بندی

شده‌اند:

۱. علم و پژوهش؛

۱. برخلاف برداشت برخی افراد درباره «نسبت آرمان با واقعیت»، آرمان‌ها دست‌یافتنی هستند نه خیالی.

۲. معنویت و اخلاق؛

۳. اقتصاد؛

۴. عدالت و مبارزه با فساد؛

۵. استقلال و آزادی؛

۶. عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن؛

۷. سبک زندگی.

اقتصاد نقطه کلیدی تعیین کننده و وسیله لازم برای دستیابی به هدف است. فقر و غنا در هر دو عرصه مادیات و معنویات بشر تأثیر دارند. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان به شمار می آید.

چالش های ناشی از عملکردهای ضعیف به دو دسته بیرونی و درونی تقسیم می شوند. برخی چالش های بیرونی، تحریم و وسوسه های دشمن را شامل می شوند که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم اثر و حتی بی اثر هستند. عیب های ساختاری و ضعف های مدیریتی نیز چالش های درونی را شکل می دهند.

مهم ترین عیوب اقتصاد کنونی جمهوری اسلامی ایران

در نگرشی کلی، مهم ترین عیب های اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را می توان در چند محور دسته بندی کرد:

- وابستگی به نفت؛

- دولتی بودن بخش هایی که در حیطه وظایف دولت نیست؛

- نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی؛

- استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور؛

- بودجه بندی معیوب و نامتوازن؛

- بی ثباتی سیاست های اجرایی اقتصاد؛

- عدم رعایت اولویت ها؛

- وجود هزینه های زاید و حتی اسراف کارانه در بخش هایی از دستگاه های حکومتی.



راه حل دستیابی به اقتصاد مطلوب

به تصریح بیانیه گام دوم، تمرکز (جوهره) اصلی همه راه‌حل‌های رویارویی با معایب و کاستی‌ها و همچنین پیشرفت و دستیابی به اقتصادی مطلوب، در داخل کشور است؛ اگرچه، ارتباط عادلانه بین‌المللی و باری‌گرفتن از بیرون کشور، مفید و در بسیاری موارد، باوجود محوریت اتکا به ظرفیت‌های داخلی، ضروری خواهد بود. این گزاره اساسی، گزاره مبنایی بناکردن نظام اقتصادی کشور بر پایه اقتصاد مقاومتی است که در سیاست‌های کلی تجلی یافته است.

سیاست‌های کلی^۱ سیاست سیاست هستند و به عبارتی، خط‌مشی سیاست‌گذاری اجرایی و برنامه‌ریزی را مشخص می‌کنند. این سیاست‌های فوق از (معیار و محک ارزیابی و روح حاکم بر) قوانین عادی هستند و به همین دلیل، و مستند به اصل ۱۱۰ قانون اساسی، مورد توجه و ملاک شورای نگهبان^۲ قرار می‌گیرند؛ ولی، به معنای اصطلاحی، قانون نیستند. بنابراین، تحقق آنها نیازمند قانون‌گذاری است.^۳

سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، کلیاتی برای ریل‌گذاری اصلی اقتصاد کشور را دربردارند؛ ولی، برای تحقق، به تهیه برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌ها و پیگیری و اقدام دولت‌ها، با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت نیاز دارند.

در بیانیه، تصریح شده است که بخش‌های مهم راه‌حل‌های مشکلات اقتصادی که در چهارچوب اقتصاد مقاومتی نیز قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از:

- درون‌زایی اقتصاد کشور (نقطه کانونی و رویکرد اساسی اقتصاد مقاومتی)؛
 - مولد شدن (تولید داخلی: ستون فقرات اقتصاد مقاومتی)؛
 - دانش‌بنیان‌شدن (یکی از بنیان‌های اقتصاد مقاومتی)؛
 - مردمی‌کردن (یکی از بنیان‌های اقتصاد مقاومتی) و تصدی‌گری نکردن دولت؛
 - برون‌گرایی (نقطه کانونی و رویکرد اساسی اقتصاد مقاومتی) با استفاده از ظرفیت‌ها.
- عملیاتی شدن آنچه گفته شد، میدان‌دارشدن فعالان مجموعه جوان، دانا، مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت در دوران پیش‌رو را می‌طلبد.

1. General Policy/Meta-policy.

۲. سخنگوی شورای نگهبان (کدخدایی) در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۹۷ اعلام کرد که همچنین دو مورد ایراد ازسوی مجمع تشخیص مصلحت نظام نسبت به این لایحه (لایحه الحاق ایران به کنوانسیون پالمو) اعلام شد که شامل مغایرت با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های امنیتی بوده است که این دو ایراد نیز مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی ازسوی شورای نگهبان مجلس اعلام شد.

۳. دراین‌باره، ر.ک. (موسی‌زاده، ۱۳۸۷) و (غلامی و بهادری جهرمی، ۱۳۹۲).

باتوجه به آنچه گفته شد، در سال‌های گذشته، ازسوی مقام معظم رهبری (مدظله) «بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است» تأکید شده و این موضوعات کلیدی بارها تکرار شده است.

در قسمت‌های آینده، به‌طور فشرده و با استشهاد به برخی آیات قرآن و روایات، جنبه‌ای از مبانی اسلامی ملاحظات یادشده در قلمرو اقتصاد مطلوب در گام دوم انقلاب معرفی می‌شود. البته، باتوجه به مجال کوتاه، به اندکی از دو منبع اصلی یادشده اسلام (کِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي) تصریح می‌شود.

برخی آموزه‌های اسلامی ویژگی‌های مورد تأکید اقتصاد مطلوب و راه‌حل‌های کلیدی بیانیه گام دوم

با جمع‌بندی و کنار هم قراردادن ویژگی‌های مطلوب و همچنین راه‌حل‌های کلیدی ارائه‌شده برای حل مشکلات در متن بیانیه، بر برخی ویژگی‌ها تأکید بیشتری شده است؛ از جمله: استقلال؛ درون‌زایی؛ مولدشدن؛ توزیع عدالت‌محور؛ مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف؛ دانش‌بنیان‌شدن؛ مردمی‌کردن؛ برون‌گرایی؛ و مناسبات مدیریتی خردمندانه. همان‌گونه که در گذشته نیز اشاره شد، همه موارد یادشده، در چهارچوب اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی آن، جایگاهی مصرح و بارها تأکیدشده دارند.

استقلال و عزت

اتکا بر خود و خودی‌ها و خودکفایی در ضروریاتی که وابستگی در آنها، به سستی و خواری و انحراف و گرایش به دیگران، به‌ویژه دیگرانی که بر اختلاف و بروزدادن اختلاف نگرش و سلوک تأکید و بر آن اصرار دارند و برخی حتی ضدیت دارند، اصلی اسلامی است که در چهارچوب کلی «استقلال» قرار می‌گیرد.



استقلال کشور، آزادی از اعمال نفوذ^۱ و سلطه کشورهای دیگر^۲ است. با این مفهوم، استقلال نیز در کنار آزادی^۳، یکی از بنیادهای اسلام^۴، و مذهب علمای اسلام^۵ و لازمه ثبات^۶ است که به اصل کلیدی توحید بازمی‌گردد.^۷ به علاوه، مطابق آیه «...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۸ (نساء: ۱۴۱)، اتکا بر کافران و سلطه آنان بر امور مسلمانان، همواره نفی شده و از آن پرهیز داده شده است و قاعده «نفی سبیل»، بر عمومات و اطلاقات ادله حاکم است. بنابر مفاد این قاعده، هر حکمی که به نوعی استیلا و سلطه کافران بر مسلمانان را به دنبال داشته باشد، باطل است (عمار، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

قرآن کریم اعتماد به ستمگران ضمن گرایش به آنان و آرام گرفتن و امید یاری گرفتن از آنها را به شدت نهی و موجب عقوبت آتشین اعلام می‌کند: «وَلَا تَوَكَّلُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسَّكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»^۹ (هود: ۱۱۳).

تجربه تاریخی تغییر قبله، در کنار شواهد بسیار، مؤیدی عملی نیز برای استقلال مسلمانان نشان می‌دهد: «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ...»^{۱۰} (بقره: ۱۴۴). در این تجربه تاریخی، بیت المقدس قبله نخستین مسلمانان بود و این امر دستاویزی برای یهود شده بود در سرزنش کردن مسلمانان و مطرح کردن تبعیت از قبله یهودیان و مستقل نبودن مسلمانان (روکردن به قبله یهود که از سوی یهودیان، دلیلی برای پذیرش آیین خودشان قلمداد می‌شد).

۱. «اسلام می‌خواهد که هیچ‌یک از افراد این مملکت اسلامی پیوسته به غیر نباشد، تحت نفوذ غیر نباشد» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۵: ۲۶۴).
۲. «ما می‌خواهیم مملکتمان از خودمان باشد مستقل باشد و تحت رهبری دیگران نباشد. ما می‌خواهیم مخازن مملکت ما از خودش باشد. ما می‌خواهیم در این مملکت خودمان کار بکنیم و خودمان نتیجه کار را ببریم» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۵۸).
۳. «آزادی، حقی از حقوق بشر می‌باشد» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۳: ۳۳۲؛ ج ۴: ۱۲۳ و ۲۶۱).
۴. «بنیاد دیگر اسلام اصل استقلال ملی است» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۴: ۲۴۲).
۵. «علما با استقلال مخالف نیستند؛ مذهب علما استقلال است» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۱۸).
۶. «ثبات تابع قدرتمندی و استقلال است» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۵: ۹۸).
۷. حضرت امام (ره) در پیام برائت از مشرکین (۶/۵/۱۳۶۶)، اعلان برائت را از اصول نخستین توحید به‌شمار می‌آورند و ریشه آن را در توحید و یگانه‌پرستی می‌دانند (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۳۱۶). امام خمینی (ره) در مصاحبه با خبرنگار روزنامه انگلیسی تایمز می‌فرماید: «ریشه و اصل همه آن عقاید، که مهم‌ترین و باارزش‌ترین اعتقادات ماست، اصل توحید است. ... ما از این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می‌آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند، رفتار و روابط او را بنابه درک و شناخت خود، که بسیار ناقص است و یا بنابه خواسته‌ها و امیال خود تنظیم نماید» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ج ۵: ۳۸۷).
۸. «خدایوند هرگز برای استیلا کافران بر مؤمنان، راهی قرار نداده (و آن را نپذیرفته) است.»
۹. «و به کسانی که ستم کرده‌اند، دل نبندید و میل و تکیه نکنید که آتش غضب خدا [به شما می‌رسد درحالی که، شما را جز خدا هیچ یاور و سرپرستی نباشد و نیز مورد نصرت خدا هم قرار نگیرید]. «زکون» آرام گرفتن و اعتماد از روی میل (گرایش) است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱: ۵۰).
۱۰. «حتماً ما به هرسو گشتن رویت را در آسمان [مانند کسی که منتظر امری باشد] می‌بینیم، و اینک تو را به‌سوی قبله‌ای که بپسندی متوجه می‌کنیم؛ پس روی خود را به‌سوی مسجدالحرام برگردان، و هر جا که باشی روی خود را به‌سوی آن برگردانید.»

پیامبر اکرم (ص) نیز برای رفع این سرزنش‌ها و تفاخرها، در انتظار امر الهی بود. با فرمان تغییر قبله، این دستاویز از دشمنان گرفته شد و جلوه‌ای از استقلال مسلمانان در عمل بروز داده شد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱: ۳۲۵).

در قرآن کریم، مثال پیامبر و یارانش در انجیل، «... كَزَّزِعَ أَخْرَجَ شَطَاءَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ...»^۱ (فتح: ۲۹) بیان شده است. براین اساس، مثل مؤمنان مثل زراعتی است که (از فراوانی برکت)، جوانه‌هایی پیرامون خود رویانده باشد و به آنها کمک کند تا قوی و محکم (استوار) شود و به‌طور مستقل روی پای خود بایستد؛ به‌طوری‌که، برزگران از خوبی رشد (مستقل) آن، به شگفت آیند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۸: ۳۰۰). در این آیه، به پنج وصف جوانه‌زدن، کمک‌کردن برای پرورش، محکم‌شدن، بر پای خود ایستادن و نمو چشمگیر برای مؤمنان اشاره شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۱، ج ۲۲: ۱۱۷).

در کنار آنچه گفته شد، براساس آموزه‌های معصومین بزرگوار (س)، «لِيَجْتَمِعَ فِي قَلْبِكَ الْإِفْتِقَارُ إِلَى النَّاسِ وَالِاسْتِعْنَاءُ عَنْهُمْ فَيَكُونَ افْتِقَارُكَ إِلَيْهِمْ فِي لِينِ كَلَامِكَ وَحُسْنِ بَشْرِكَ وَيَكُونَ اسْتِعْنَاؤُكَ عَنْهُمْ فِي نَزَاهَةِ عِرْضِكَ وَبَقَاءِ عِرْكَ»^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۱۴۹).

پافشاری بر آزادی و استقلال که حاصل اعتقاد به توحید و عمل به مقتضای آن است، سرانجام به عزت می‌انجامد؛ عزتی که مطابق قرآن، همه آن، از آن خداست: «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَّتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»^۳ (نساء: ۱۳۹).

مقام معظم رهبری (مدظله) عزت را به‌گونه‌ای روشن تعریف می‌کنند. «عزت به معنای ساخت مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه است، که او را در مقابله با دشمن، در مقابله با موانع، دارای اقتدار می‌کند و بر چالش‌ها غلبه می‌بخشد. ... وقتی که عزت شامل حال یک انسان، یک فرد یا یک جامعه می‌شود، مثل یک حصار عمل می‌کند، مثل یک باروی مستحکم عمل می‌کند؛ نفوذ در او، محاصره او، نبودکردن او برای دشمنان دشوار می‌شود؛ انسان را از نفوذ و غلبه دشمن محفوظ نگه می‌دارد» (بیانات، ۱۳۹۱/۳/۱۴).

۱. «و مَثَلُ أَنهَا [حضرت محمد(ص) و کسانی که با اویند] در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا سبزر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد.»
 ۲. به روایت امام جعفر صادق (ع): امیر المؤمنین (ع) می‌فرمود: باید در قلب تو نیازمندی به مردم و بی‌نیازی از ایشان هر دو با هم جمع باشد: نیازمندی به این معنی که با آنان نرم سخن گویی و گشاده‌رو باشی، و بی‌نیازی به این معنی که عرض خویش نبری و عزت خود را پاس داری (و از هیچ کس هیچ چیز نخواهی).
 ۳. همان کسانی که کافران را به‌جای مؤمنان سرپرست و یاور و دوست خود می‌گیرند؛ آیا در نزد آنان عزت و عظمت می‌طلبند؟ پس (بدانند که) بی‌تردید همه عزت از آن خداست.



درون‌زایی اقتصاد کشور

درون‌زایی نقطه کانونی و رویکرد اساسی اقتصاد مقاومتی است. آیه پیش گفته (فتح: ۲۹) متضمن درون‌زایی جامعه ایمانی نیز هست. این درون‌زایی هنگامی امکان‌پذیر است که هم‌پیوندی درونی جامعه اسلامی، مستحکم و هم‌افزا باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱ (آل عمران: ۲۰۰) در این آیه، رابطه (و رابطوا) مفهومی عام‌تر از «مصابرة» (تحمل جمعی آزارها، به اتکای صبر افراد به یکدیگر) و به معنای ایجاد جماعت، ارتباط بین نیروها و کارکردهای آنها در تمام امور زندگی دنیوی در همه حالت‌های سختی و راحتی - نه فقط در برابر آزارها - است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ۹۱). با همین هم‌پیوندی و همبستگی و انسجام درونی و تأکید بر درون‌زایی، گرایش نداشتن و اتکان‌کردن به قدرتمندان سلطه‌گر امکان‌پذیر می‌شود: «وَ مَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا»^۲ (کهف: ۵۱).

در فرهنگ اسلامی، فعالیت مفید اقتصادی و تولید همواره ترغیب شده و حتی با وجود بی‌نیازی ظاهری، دوری از فعالیت اقتصادی ناپسند و ناگوار تلقی شده است:

قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَا مُعَاذُ أَصَعَفْتَ عَنِ التَّجَارَةِ أَوْ زَهَدْتَ فِيهَا قُلْتُ مَا صَعَفْتُ عَنْهَا وَ مَا زَهَدْتُ فِيهَا قَالَ فَمَا لَكَ قُلْتُ كُنَّا نَتَنَظَّرُ أَمْرًا وَ ذَلِكَ حِينَ قُتِلَ الْوَلِيدُ وَ عِنْدِي مَالٌ كَثِيرٌ وَ هُوَ فِي يَدِي وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ عَلَيَّ شَيْءٌ وَ لَا أَرَانِي أَكُلُهُ حَتَّى أَمُوتَ فَقَالَ تَتْرُكُهَا فَإِنْ تَرَكَهَا مَذْهَبَةٌ لِلْعُقَلِ^۳ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۱۴۹).

سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ رَجُلٍ ... فَقِيلَ لَهُ أَصَابَتْهُ الْحَاجَةُ قَالَ فَمَا يَصْنَعُ الْيَوْمَ قِيلَ فِي الْبَيْتِ يَعْجُدُ رَبَّهُ قَالَ فَمِنْ أَيْنَ قُوَّتُهُ قِيلَ مِنْ عِنْدِ بَعْضِ إِخْوَانِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَاللَّهِ لِلَّذِي يُقُوَّتُهُ أَشَدُّ عِبَادَةً مِنْهُ^۴ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۷۸).

۱. «ای اهل ایمان! [در برابر حوادث] شکیبایی کنید، و دیگران را هم به شکیبایی وادارید، و با یکدیگر [چه در حال آسایش چه در بلا و گرفتاری] پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا نمایید تا رستگار شوید.» البته در برخی ترجمه‌ها، رابطه به معنای مرزداری و همچنین آمادگی (برای جهاد و ...) و ... نیز معنا شده است.

۲. «و من هیچ‌گاه باری گیرنده از گمراه‌کنندگان نبوده‌ام.»

۳. معاذ می‌گوید امام صادق (ع) از من پرسید: «ای معاذ، آیا از تجارت کردن ناتوان شده‌ای یا از آن روی‌گردان شده‌ای؟» پاسخ دادم «نه، از تجارت ناتوان شده‌ام و نه از آن روی‌گردان.» حضرت پرسید «پس چه چیزی است که ترک تجارت کرده‌ای؟» پاسخ دادم «ما منتظر امر افرج شما بودیم [که نشد] - این جریان زمان قتل ولید (و آغاز حکومت بنی‌عباس) اتفاق افتاد - آن‌ا زمان برای نیازمندی‌های زمان ظهور ثروت می‌اندوختیم و اینک که ظهور اتفاق نیفتاده [نزد من ثروت فراوانی است و این ثروت در دست من است و حقی برای کسی برعهده من نیست و نمی‌پندارم که این ثروت را تا زمانی که بمیرم بخورم] ما تمام شدنی نیست.» حضرت فرمود: «ایا تجارت را رها می‌کنی؟ پس، به راستی که ترک تجارت عقل را زایل می‌کند.»

۴. امام صادق (ع) از مردی جويا شد ... در جوابش گفتند: نیازمند شده است. فرمود: «حالا چه می‌کنی؟» گفتند: در خانه پروردگار خویش را عبادت می‌کنی. امام پرسید: «روزی خود را از کجا به دست می‌آوری؟» گفتند: از بعضی از برادرانش. فرمود: «به‌خدا سوگند، آن کس که به او روزی می‌رساند عابدتر از اوست.»



به‌علاوه، سربار دیگران شدن (با بهره‌برداری از دسترنج دیگران، گذران زندگی کردن) و افراد تحت سرپرستی خود را بی‌نوا رهاکردن، موجب نفرین و طردشدگی است: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كَلَّةً عَلَى النَّاسِ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ صَبَّحَ مِنْ يَوْمٍ»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ ق. ۴، ۱۱). کاهلی و عدم بهره‌برداری از داشته‌های خود نیز طردشدگی را در پی دارد: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَا بِأُتْمٍ إِفْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ»^۲ (حمیری، ۱۴۱۳ ق: ۴۶۸).

همه آنچه گفته شد، ما را به سخت‌کوشی، چشم طمع بستن از داشته‌های دیگران و ملاحظه کردن ظرفیت‌های خود و بهره‌برداری از آنها، راهنمایی می‌کند و جنبه‌های بارزی از درون‌زایی است؛ اگرچه، بهره‌برداری خوداتکا و درست از محصولات دیگران را نفی نمی‌کند.

مولد انبوه و باکیفیت‌شدن

در اصطلاح اقتصادی، تولید عبارت است از ایجاد مطلوبیت و ارزش جدید یا افزودن به مطلوبیت و ارزش موجود.^۳ به‌عبارتی، «تولید» در ایجاد «ارزش افزوده» و فایده، نمود می‌یابد. تولید داخلی نیز ستون فقرات اقتصاد مقاومتی است (بیانات، ۱۳۹۳/۲/۱۰).

آیه «... هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...»^۴ (هود: ۶۱) به صراحت بیان می‌کند که آبادکردن زمین و سازندگی در آن، پیرو آفرینش آدمی و از ملزومات آن است. ازسوی دیگر، کنزکردن و خارج کردن منابع ارزشمند از چرخه فعالیت اقتصادی، عقوبتی دردناک به همراه دارد: «... وَ الَّذِينَ يَخْتَرُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»^۵ (توبه: ۳۴). همان‌گونه که تکاثر (مسابقه و تفاخر در مال و قوت)، مشغول‌شدن به حاشیه‌هایی بیهوده و فرصت‌گیر به جای بهره‌برداری مولد از منابع قلمداد می‌شود و موجب سرزنش است: «الْهٰكُمُ التَّكٰثُرُ»^۶ (تکاثر: ۱).

۱. رسول خدا (ص) فرمود: «هر کس بار زندگی خود را بر دوش دیگران تحمیل کند، ملعون ملعون است. هر کس خانواده خود را ضایع و بی‌نوا بگذارد، ملعون ملعون است».

۲. «هر کس آب و زمینی داشته باشد (و نکوشد و کشت نکند) و فقیر و نیازمند گردد، از رحمت خدا دور باد».

۳. به‌تعبیری، تولید عبارت است از فرایند ترکیب نهاده‌های مختلف مادی و غیرمادی (برنامه‌ها، دانش و ...) به‌منظور تولید چیزی (محصولی) برای مصرف. به‌عبارت‌دیگر، عمل ایجاد محصول (ستانده) - اعم از کالا یا خدمت - که ارزشی دارد و به مطلوبیت افراد کمک می‌کند (ر.ک. Reich, 2001: 47).

۴. «اوست که شما را از این زمین آفریده و شما را در آن زندگانی داده و آباد کردن آن را از شما خواسته است».

۵. «و کسانی [از کفار یا مسلمین] که طلا و نقره را گنجینه می‌سازند و در راه خدا اَبه واسطه اخراج حق واجب و قرار دادن باقی در چرخش اقتصاد امت] هزینه نمی‌کنند همه آنان را به عذابی دردناک بشارت ده».

۶. «تفاخر به بیشتر داشتن، شما را غافل داشت».



به بیان مقام معظم رهبری (مدظله) نیز این تصور که «در نظام اسلامی به مقوله تولید ثروت و گسترش رفاه عمومی و تولید بنگاه‌های مهم ثروت‌ساز بی‌اعتنایی شده» خطای بزرگی است. «یکی از ارکان مهم نظام اسلامی، ثروتمند کردن جامعه و کشور (ثروت ملی) است.» «تولید ثروت ملی و همچنین توزیع ثروت ملی به نحو عادلانه یک ارزش است» (بیانات، ۱۳۹۸/۸/۲۸).

باتوجه به تعریفی که از تولید صورت گرفت، کسانی که تولید انجام می‌دهند، به فرد و جامعه فایده می‌رسانند و ارزش اقتصادی ایجاد می‌کنند، افرادی پسندیده هستند: «أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ»^۱ (تمیمی، ۱۳۶۶: ۴۴۸)

یکی از علت‌های تحریم ربا نیز تأثیر منفی آن بر فعالیت مولد و ظلمی است که از راه آن صورت می‌گیرد:

عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ عِلَّةِ تَحْرِيمِ الرَّبَا قَالَ إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرَّبَا حَلَالًا لَتَرَكَ النَّاسُ التَّجَارَاتِ وَمَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ فَحَرَّمَ اللَّهُ الرَّبَا لِنَفْرِ النَّاسِ عَنِ الْحَرَامِ إِلَى التَّجَارَاتِ وَ إِلَى الْبَيْعِ وَالشَّرَاءِ^۲ (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۸۲).

بنابه دیدگاهی^۳ (حکیمی و ...، ۱۳۸۰، ج ۵: ۶۲۲)، تعبیرهای سه‌گانه یادشده در احادیث (فساد اموال، تلف شدن اموال و فتنای اموال)، واقعیت نظام ربایی (ربوی) را آشکار می‌سازد. آنچه موجب تباهی و فنا و تلف شدن اموال در معاملات ربایی می‌شود، فساد ناشی از مصرف یا اسراف یا ضایع کردن کال^۱ یا آنچه به این امور مربوط می‌شود، نیست. همچنین، سبب فساد مذکور مصرف شدن مال در امری حرام، یا خرید و فروش کالاهای فاسد و زیانبار نیست؛ بلکه، سبب ریشه‌ای آن منحرف شدن مال از جایگاه اصلی خود و تبدیل شدن آن به محوری مستقل برای درآمد و سود، بدون کار و تلاش و تحمل کردن زحمت کسب حلال است.

مال در نظام ربایی، از مسیر «قوامی» خود خارج می‌شود، و از اینکه مایه قوام‌پذیری و برپایی زندگی مردم باشد، انحراف پیدا می‌کند و به صورت عاملی درمی‌آید که اجتماع را به تباهی می‌کشد، و افراد رباخوار را به سقوط می‌کشاند و از زندگی کردن در سطحی سالم و سودمند برای خود و دیگران باز می‌دارد.

۱.. حضرت علی(ع): «برترین (بهترین) مردم، نفع‌رساننده‌ترین ایشان به آنان است».
 ۲. هشام از امام صادق(ع) در رابطه با علت حرمت ربا سؤال کرد، امام(ع) فرمود: اگر ربا حلال بود، مردم کسب‌وکارها و آنچه به آن نیاز داشتند را ترک می‌کردند. پس، خداوند ربا را تحریم کرد تا مردم از حرام روی گردان شوند و به کسب‌وکارها و خرید و فروش روی آورند.
 ۳. علت‌های گوناگونی برای تحریم ربا ذکر شده است که از آن جمله است: اکل مال به باطل؛ کناره‌گیری مردم از معاملات مفید و جذب معاملات فاسد شدن؛ مصداق ظلم؛ و ایجاد هدم و یا ضعف عواطف انسانی.

در پرتو این نگرش، آشکار می‌شود که مبارزه با تلف کردن و تباه‌ساختن مال، اصلی اساسی در «مکتب اقتصادی اسلام» (اصل طرد هر نظام اقتصادی که به فساد اموال و تلف شدن آنها بینجامد) است. این اصل جهت‌گیری اقتصادی اسلامی را تعیین می‌کند و آن را از نظام‌های تکاثری و سرمایه‌داری جدا می‌سازد؛ نظام‌هایی که از تباه و تلف شدن اموال توده‌ها هیچ باکی ندارند.

در پایان این قسمت، شایان ذکر است که صرفِ مولد بودن، برای پسندیده بودن فعالیت اقتصادی کافی نیست؛ بلکه، در بیانیه گام دوم، بر «تولید انبوه و باکیفیت» تأکید شده است. به بیان مقام معظم رهبری (مدظله)، از الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی، اهمیت دادن صاحبان سرمایه و نیروی کار (تولیدگران) به تولید ملی، به این معناست که بهره‌وری را افزایش دهند. «بهره‌وری یعنی حداکثر استفاده بهینه از امکاناتی که وجود دارد. کارگر که کار می‌کند، کار را با دقت انجام بدهد؛ رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً عَمِلَتْ عَمَلًا فَأَتَقَنَهُ^۱، این معنای بهره‌وری است؛ از قول پیغمبر (ص) نقل شده است: رحمت خدا بر آن کسی است که کاری را که انجام می‌دهد، محکم انجام بدهد؛ متقن انجام بدهد. آن کسی که سرمایه‌گذاری می‌کند، سعی کند حداکثر استفاده از آن سرمایه انجام بگیرد؛ یعنی، هزینه‌های تولید را کاهش بدهند؛ بعضی از بی‌تدبیری‌ها، بی‌سیاستی‌ها موجب می‌شود هزینه تولید برود بالا، بهره‌وری سرمایه و کار کم بشود» (بیانات، ۱۳۹۳/۱/۱).

توزیع عدالت‌محور

در تکوین و خلقت، عدالت الهی حاکم است و اساس خلقت بر عدل استوار است. توزیع امکانات و مواهب الهی نیز برای روزی طلبان، برابر تقدیر شده است: «وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيًا مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سِوَاءً لِلنَّاسِ لِيَوْمٍ»^۲ (فصلت: ۱۰). علاوه بر تکوین، تکلیف نیز متضمن رعایت و برپا کردن عدالت و قسط است. در واگذاری حقوق و توزیع، باید عدالت ملاک قرار داده شود:

۱. پیامبر (ص) «إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيَتَّقِنْ؛ چون کسی از شما به کاری دست زند، باید درست و محکم کار کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۲۵۰).

۲. «و او روی زمین کوه‌ها برافراشت و انواع برکات او منابع از معادن و چشمه‌ها و درختان بسیار در آن قرار داد و قوت و ارزاق اهل زمین را در چهار روز ابرای هر شهر و دیاری مقدر و معین فرمود و روزی طلبان را یکسان در کسب روزی خود گردانید انا همه روزی خوردنا».

- «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»^۱ (اسراء: ۳۵).
 - «... وَلَا تَتَّقُوا الْمَكِّيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَكُمْ بَخِيرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ»^۲
 (هود: ۸۴).

- «وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»^۳ (هود: ۸۵).

به علاوه، محدود کردن گردش منابع به چرخه ثروتمندان که از توزیع و گسترش عمومی آنها در جهت مشارکت فراگیر جلوگیری می کند، پسندیده نیست: «ما أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ...»^۴ (حشر: ۷).

مصرف به اندازه و بی اسراف

اگرچه، انفاق در برداشت اولیه به هزینه کردن در راه خدا معنا می شود، می تواند هر گونه خرج کردنی - از سوی مسلمان و کافر و با هر انگیزه ای - را شامل شود: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...»^۵ (انفال: ۳۶)

در سبک زندگی اسلامی، خرج کردن و مصرف باید به اندازه (کارآمد) و به جا (اثربخش) (بدون اسراف و تبذیر) باشد: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»^۶ (فرقان: ۶۷).

مصرف به اندازه و بی اسراف به معنی مصرف کم و اندک با تحمل ریاضت نیست؛ بلکه، به مفهوم صرفه جویی و درست مصرف کردن است؛ مفهومی که در فرهنگ اسلامی با برداشت درست از اصطلاح «زهد» به معنی برداشت کم برای بازدهی زیاد (مطهری، ۱۳۵۴: ۲۴۷) (نه خست و ورزی) تناظر دارد.

۱. «و چون [مالی را در مقام دادن یا گرفتن] پیمانه کنید پیمانه را پر کنید و [نیز] با ترازوی درست بسنجید، که این [امانت پیمانه و وزن از نظر عقل] خیر است و [از نظر حفظ اعتماد جامعه] سرانجامش نیکوتر است.»
۲. «و ای قوم من، پیمانه و ترازو را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید.»
۳. «و در کیل و وزن کم فروشی مکنید، من خیر شما را در آن می بینم [که با همه عدل و انصاف کنید] و اگر ظلم کنید] من می ترسم از روزی که عذابی سخت شما را فراگیرد.»
۴. «آنچه خداوند [به عنوان فیء] از [اموال] اهل شهر و روستاها بر فرستاده خویش بازگردانید از آن خدا و رسولش و خویشان او و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان آراه هر هدف دینی و دنیوی لازم برای اسلام و مسلمین که راهیانیش نیاز به آن دارند] است، تا میان ثروتمندان شما دست به دست نگرند.»
۵. «بی گمان کسانی که کفر ورزیدند اموال خود را خرج می کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند.»
۶. «و آنان که چون انفاق نمایند نه اسراف و تجاوز از حد کنند، و نه سختگیری نموده و پایین تر از حد روند، و [انفاقشان] میان این دو روش، حد وسط و عادلانه است.»

دانش بنیان شدن

استفاده مبنایی و پایه‌ای (شالوده‌ساز) از دانش و تولید دانش و محصولات دانشی (با فناوری سطح بالا و ...) در هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی، فرایندها و انجام فعالیت‌های اقتصادی (دانش بنیان شدن)، یکی از امور ضروری گام دوم انقلاب اسلامی است. دانش زندگی و فعالیت اقتصادی را آسان، بهره‌ور، تاب‌آور، خلاقانه و نوآورانه و شتابان می‌کند و در دستیابی به اهداف و مقاصد، راه‌گشا و برترساز است.

در توضیح آیه «یا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ»^۱ (الرحمن: ۳۳)، «سلطان» را به معنای دانش قلمداد می‌کنند. به بیان مقام معظم رهبری (مدظله)، «پیشرفت علمی، کشور را قدرتمند می‌کند. ... اَلْعِلْمُ سُلْطَانٌ؛ «سلطان» یعنی اقتدار. علم اقتدار است.»^۲

دانش یکی از شرایط لازم توانایی اداره و مسئولیت‌پذیری اقتصادی نیز قلمداد می‌شود: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ»^۳ (یوسف: ۵۵).

مردمی کردن

«مردم‌بنیاد بودن» یکی از ویژگی‌های کلیدی اقتصاد مقاومتی است (بیانات، ۱۳۹۳/۱/۱). باور به مردم رویه پیامبر اعظم (ص) بوده است: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ قُلُوبِنَا حَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ...»^۴ (توبه: ۶۱) و مردم ابزارهای حاکمان نیستند؛ بلکه، ولی نعمت‌ها^۵ و صاحب‌منصبان اصلی واقعی در امور جامعه هستند. ارسال پیامبران و انزال کتاب و میزان، به این منظور انجام شده است که مردم قسط را برپا کنند؛ نه آنکه، بی هیچ دلیلی، زیردست و ابزار پیامبران - چه برسد به حاکمان

۱. «ای گروه جنّ و انس! اگر می‌توانید از مرزهای آسمان‌ها و زمین نفوذ کنید، نفوذ کنید. هرگز نمی‌توانید مگر به واسطه قدرتی فوق‌العاده.»

۲. «گفت: مرا بر خزانه‌های این سرزمین بگمار، که همانا من نگهبان و دانایم.»

۳. «و از آنان کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: او [سراپا] گوش است [حرف هر کس را می‌پذیرد!] بگو: او گوش خوبی برای شماست، خدا را ادر همه گفتارش! تصدیق می‌کند و به مؤمنان اعتماد می‌ورزد [آنان را باور دارد] و برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند رحمت است.»

۴. «شما باید توجه به این معنا بکنید که ما را اینها آورده‌اند و وکیل کرده‌اند، آورده‌اند و وزیر کرده‌اند، رئیس‌جمهور کرده‌اند. اینها ولی‌نعمت ما هستند، و ما باید ولی‌نعمت خودمان را از آن‌ان قدردانی کنیم و خدمت کنیم به او» (موسوی خمینی(ره)، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۲۴). «همین مردم کوچک و بازار و کشاورزهای بسیار عزیز و کارمندان و کسانی که در کارخانه‌ها زحمت می‌کشند، اینها هستند که مایه افتخار یک ملت و مایه پیروزی یک ملت است. پیروزی را برای ما و شما اینها به‌دست آوردند و اینها ولی‌نعمت ما هستند. و ما باید این معنا را در قلبمان احساس کنیم که با این ولی‌نعمت‌های خودمان رفتاری بکنیم که خدا از آن رفتار راضی باشد» (موسوی خمینی(ره)، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۲۸۰).



غیر معصوم - و جیره خوار آنان باشند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...»^۱ (حدید: ۲۵).

ما أَفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَاللِّرْسُولِ وَلِلَّذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ... (حشر: ۷)؛ آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینویان و درراه ماندگان است تا میان توانگران شما دست به دست نگردد. سیطره و تسلط بالادستانه اجبارکننده نسبت به مردم، به تصریح قرآن، حتی برای پیامبر اولوالعزم خاتم (ص) نیز نفی شده است: «لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ»^۲ (غاشیه: ۲۲).

برون گرایی

برون گرایی نقطه کانونی و رویکرد اساسی (سیاست‌های کلی) اقتصاد مقاومتی و اقتصاد گام دوم انقلاب اسلامی است (بیانات، ۱۳۹۴/۴/۲).

اسلام، دینی همیشگی، جهانی و همگانی است: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا...»^۳ (اعراف: ۱۵۸). «...إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ»^۴ (انعام: ۹۰). «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ...»^۵ (سبأ: ۲۸).

اقتصاد جمهوری اسلامی نیز با بی توجهی جاهلانه به صحنه منطقه‌ای و جهانی و نداشتن تعامل عادلانه با بازارهای فرامرزی، در حصار محصور خواهد شد که از سوی سلطه‌گرانی جهانی برای انزوا و سرانجام، برای نابودی آن ساخته شده است و همواره تنگ‌تر خواهد شد.

مناسبات مدیریتی خردمندان

اساس اسلام بر آگاهی و خردورزی خدادادی است: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي...»^۶ (یوسف: ۱۰۸).

۱. «به یقین ما فرستادگان خود را با دلایلی روشن از منطق و معجزه فرستادیم و با آنها کتاب [آسمانی] و وسیله سنجش [معانی و شناسایی حق از باطل و وزن اشیای خارجی] فرورستادیم تا مردم [در زندگی دنیا] به قسط و عدل برخیزند.»

۲. «تو بر آنها مسلط نیستی [نه بر قلب آنها که به ایمان مجبور کنی، و نه بر مجتمع آنها که به زور حکومت برانی، و نه به سرنوشت آنها که کیفر اخروی دهی].»

۳. «بگو: ای مردم، به یقین من فرستاده خدا به سوی همه شمایم از موجودین زمان خطاب تا انقراض نسل بشر.»

۴. «[این قرآن] جز تذکری برای جهانیان نیست.؛ خطاب و دعوتش جهانی است.»

۵. «و ما تو را نفرستادیم مگر نگهدارنده همه مردم از عصر خود تا انقراض نسلشان.»

۶. «بگو این است راه من، که من و هر کس پیروی‌ام کرد با بینایی [آدانی] / آگاهی [به سوی خدا دعوت می‌کنیم].»

بدترین جنبندگان، موجوداتی هستند که تعقل نمی‌کنند: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ»^۱ (انفال: ۲۲) و درک حق با تعقل، غایت خلقت انسان از نظر حیات معنوی اوست (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷: ۳۴۷). «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يَتَوَفَّى مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجْلاً مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^۲ (غافر: ۶۷).

باتوجه به محوریت خردورزی در اندیشه اسلامی، اداره امور اقتصادی نیز بدون خردورزی و با شیوه‌هایی به دور از خردمندی، پذیرفته نیست. برکناری ابلهان (سفیهان) از تصرف در اموال خود - چه برسد به اموال دیگران - با وجود تأمین زندگی انسانی آنان و برخورد نیکو با آنها آموزه‌ای قرآنی است: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا»^۳ (نساء: ۵)

توجه به این نکته لازم است که اموال شخصی نیز در نگرشی واقع‌بینانه و کلی‌تر، به نوعی اموال عمومی (مال و ثروت دنیا به کل اهل دنیا مربوط است) به‌شمار می‌آید (أَمْوَالِكُمْ) (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ۱۷۰) و با این توجیه که دارایی‌هایی شخصی هستند، اتلاف و به‌هدر دادن و هزینه‌کردن غیر منطقی آنها مجاز شمرده نمی‌شود.

اقدام عملیاتی

بیانیه گام دوم بیانگر اقدام عملیاتی نیز هست. میدان‌داری فعال مجموعه جوان، دانا، مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت، مطالبه‌ای است که باید بر آن پای فشرده شود. مجموعه میدان‌دار در ساماندهی اقتصادی جمهوری اسلامی در گام دوم، باید شادابی و جسارت و پویایی جوانی را - هرچند حتی سن بالایی داشته باشند - محور قرار دهند. محافظه‌کاران غیرانقلابی ممسک، و تنگ‌نظر و خسته از برخورد با موانع و خصومت‌ها، و ناامید از دستیابی به اهداف متعالی و آرمان‌ها در این مجموعه، جایی ندارند: «الَّذِينَ يَخْلُونُ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ يَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا»^۴ (نساء: ۳۷).

۱. «به تحقیق، بدترین جنبندگان نزد خدا کران و لالایی‌اند که خردورزی نمی‌کنند.»
 ۲. «او همان کسی است که شما را از خاکی آفرید سپس از نطفه‌ای، آن‌گاه از علقه‌ای، و بعد شما را [به صورت] کودکی برمی‌آورد تا به کمال قوت خود برسید و تا سالمند شوید و از میان شما کسی است که مرگ پیش‌رس می‌یابد و تا ابلاخره [به مدتی که مقرر است برسید و امید که در اندیشه فرورود.»
 ۳. «و اموالتان [و اموال یتیمان] را که خدا وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده به سفیهان [و خود یتیمان] ندهید، و آنها را از درآمد آن مال روزی دهید و لباس بپوشانید، و با آنها به‌نحوی شایسته سخن بگویید.»
 ۴. «همان گروه که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل وادار می‌کنند و آنچه را که خدا از فضل خود به آنها بخشیده، کتمان می‌کنند. و ما برای کافران، عذابی خوارکننده مهیا داشته‌ایم.»



حضرت علی (ع) در مشورت گرفتن از بخیل، ترسو و حریص، پرهیز می دهند:

وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَغْدُلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَيَعِدُّكَ الْفَقْرَ، وَلَا جَبَانًا يَضْعُفُكَ عَنِ الْأُمُورِ، وَلَا حَرِيصًا يَزِينُ لَكَ الشَّرْمَ بِالْجُورِ؛ فَإِنَّ الْبُخْلَ وَالْجُبْنَ وَالْحِرْصَ غَرَائِزُ سَتَى، يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ^۱ (نامه ۵۳: عهدنامه مالک اشتر).

بی تردید، به کارگیری افرادی با ویژگی های شمرده شده در میدان عمل، با هشدار جدی تری روبه رو خواهد بود.

برخی رویکردهای کاربردی بر مبنای شاكلة اسلامی اقتصاد گام دوم

شاكلة اسلامی اقتصاد در گام دوم انقلاب اسلامی الزامات و تجویزهای کاربردی مصداقی متناسب با خود را دربر دارد؛ همان گونه که مبانی قرآنی و روایی و عقلی در استنباط و استخراج اصول و قواعد فقهی، برای درک و شکل دهی سبک زندگی و رفتار روزانه انسانها در تمام جوانب و بخش های زندگی در فضای اسلامی به کار می رود و فقط به منظور ایجاد الگویی مفهومی ذهنی پسندیده - بدون کاربرد عملی - درباره آن بحث نمی شود. در اینجا، برای معرفی نحوه کاربرد عملیاتی اصول و آموزه های شاكلة ساز پیش گفته، به برخی مصادیق عملی اشاره می شود.

به عنوان نمونه، با اصل استقلال و عزت در شاكلة بحث شده، تعامل داخلی و خارجی بر مبنای خوداتکایی، بزرگ منشی، خودباوری، استحکام درونی و آسیب ناپذیری و نفوذناپذیری در کنار از آن خدا دانستن همه مخلوقات (وابستگی کامل به خداوند عالم و استقلال نسبی از دیگران، متناسب با موضوع و طرف مورد تعامل) شکل می گیرد. در این میان، اگرچه، اصل بر تعامل و رفع نیازها با تلاش متقابل داخلی و خارجی - نه انزوا - است، ولی اعتماد همراه با گرایش به دشمن، ساده انگارانه قلمداد می شود. نمونه بارز اعتماد و تکیه نابه جا به دشمن، اعتماد به آمریکا و کشورهای معارض با کشورهای استقلال خواه و به طور کامل تابع آمریکا - از جمله انگلیس - است. تجربه برجام، با وجود مذاکرات طولانی و پایبندی چندساله

۱. «و در کنگاش [کار] خود بخیل را راه مده که تو را از نیکی و بخشش بازداشته از بی چیزی و درویشی می ترساند، و نه بی دل و ترسو را که تو را از اقدام درآ کارها سست می گرداند، و نه حریص را که از بسیاری حرص (اندوختن جهت روز نیازمندی) ستمگری ابه مردم] را در نظرت جلوه می دهد. پس، بخل و ترس و حرص طبیعت های گوناگونی می باشند که بدگمانی به خدا آنها را گرد می آورد [منشأ این خواها بدگمانی به خداست، و بدگمان به خدا او را نمی شناسد؛ زیرا، بخیل اگر او را بسیار بخشنده داند به دیگران بخل نمی ورزد، و ترسو اگر او را نگهدار خواند از اقدام در کار خدا پسند نمی ترسد، و حریص اگر او را روزی دهنده داند برای اندوختن حرص نمی زند.]»

جمهوری اسلامی به تعهدات خود، تأییدی بر لزوم امیدنبستن به دیگران و بی‌اعتمادی همیشگی به دشمن و تابعان اوست.

با این نگرش، درجه‌بندی کشورهای گوناگونی که تاکنون در روابط اقتصادی خارجی کشور جایگاهی نداشته‌اند و بازسازی روابط اقتصادی خارجی با وسعت بخشیدن به طرف‌های تجاری (شکستن حلقهٔ بستهٔ آمریکا و برخی کشورهای محدود اروپایی) و تنوع بخشیدن این روابط با توجه ویژه به کشورهای همسایه و به نسبت مستقل، نیز لازم می‌نماید.

درون‌زایی و برون‌گرایی که اصل‌های دیگری در شاکلهٔ ترسیم‌شده هستند، با اصل استقلال و تبیین جوانب آن، ارتباطی تنگاتنگ دارند. موهبت جنگ و تحریم از هشدار و به‌خودآمدن بر اثر فشارهای بیرونی طرف‌های متخاصم و بازگشت به خود و خودباوری مردم‌مدارانه، معنا می‌یابد. مروری بر نوآوری‌ها و اختراعات و خلاقیت‌ها و جوشش‌های از درون بسیاری از روستازادگان پرتلاش و بسیاری از انسان‌های با مدارک دانشگاهی سطح بالا یا بدون آن در جنگ‌ها و به‌ویژه، دوران دفاع مقدس و سال‌های تحریم ضدبشری علیه جمهوری اسلامی ایران، نشان می‌دهد که رویکرد درون‌زایی، راهگشاست؛ اگر مسئولان دست‌اندرکار کشور آن را باور کنند؛ البته، به‌ثمرنشتن چنین باور و تلاشی به زمان نیاز دارد؛ ولی، این زمان و فرصت طلایی بی‌تردید از فرصت‌سوزی‌های ناشی از اعتماد به بیگانه و عملاً یارانه‌دادن به خارجیان ولی، حمایت‌نکردن از نیروهای داخلی، در جمع‌بندی میان‌مدت، کمتر و به‌صرفه‌تر خواهد بود و به‌یقین، آینده‌ای امیدبخش و شگفت‌آور (يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ) را به همراه خواهد داشت. در این آیندهٔ امیدبخش، سهم نگرش به بیرون از مرزها و استفاده از دانش، فناوری، تجربه‌ها و محصولات مناسب متنوع و هدف‌گیری بازارهای خارجی به همراه تأمین نیازهای داخلی، سهمی تعیین‌کننده دارد. در این میان، طرح‌هایی از قبیل کشتِ فراسرزمینی نیز باید با ملاحظهٔ اصول یادشده و تجربهٔ نااطمینانی بیگانگان، بررسی شود.

علاوه‌بر آنچه گفته شد، مهندسی ارزش ایجاب می‌کند که به میزان «ارزش افزوده» کوتاه‌مدت و بلندمدت، همزمان با ملاحظه مفهوم موسع ارزش، که یکی از اصلی‌ترین ملاک‌های سرمایه‌گذاری است، توجه شود. آنچه و آن کس که برای مردم نافع‌تر (أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ: مولدتر باکیفیت) است، باید مقرب‌تر باشد. تخصیص ارز کمیاب، تعیین نرخ و پایه‌های مالیاتی، معافیت‌ها و تعرفه‌های ترجیحی و... باید دوباره با همین ملاک ساماندهی



شود. تجربه تاریخی ناکارایی دولت‌ها و دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی در فعالیت‌های اقتصادی که باید نظارت، تنظیم، کنترل و هدایت کلان آنها را در دست داشته باشند، نشان می‌دهد که اگرچه، در دوران جنگ - از جمله جنگ اقتصادی - تمرکز نسبی اضطراری در برخی زمینه‌های اقتصادی اجتناب‌ناپذیر است، ولی، گرایش به تقویت سهم دولت در اقتصاد، در اصل، باید در چهارچوب اصل مولدبودن با مفهومی که بیان شد و همچنین مردمی بودن، نگریسته شود.

اگرچه، بسیاری از اختراعات - که برخی از آنها تحولی شگرف در زندگی بشری ایجاد کرده - به وسیله کسانی صورت گرفته است که دانشمند مصطلح دانشگاهی به‌شمار نمی‌آمده‌اند، ولی، اگر مفهوم «دانش» را به آنچه در مدارس و دانشگاه‌ها آموزش داده می‌شود، محدود نکنیم، سهم آن در پیشرفت و اقتدار و عزت کشور در همه جوانب، بی‌بدیل است. به نظر می‌رسد نظام آموزشی کشور نیز باید به‌سوی فراگیر کردن چنین دانشی پیش رود؛ نه دانشی که با محفوظات متراکم اولویت‌بندی نشده و بیگانه با نیازهای بومی شکل داده شده و می‌شود.

عدالت که به‌حق و به‌جا بودن، قاعده‌ای مناسب برای تشخیص آن است، اصل مهمی در فعالیت اقتصادی کشور قلمداد می‌شود. به‌عنوان نمونه، هدفمندی یارانه‌ها، از جمله طرح‌های عدالت‌محوری بود که اگرچه، با ایده‌ای مناسب و به‌گونه‌ای امیدبخش در مسیر عدالت‌ورزی آغاز شد، ولی در ادامه، به‌نظر می‌رسد که خود به‌طرحی ناعادلانه و انحراف‌آفرین تبدیل شده باشد. با توزیع همگانی و برابر امکانات محدود عمومی، علاوه بر تحمیل هزینه‌های فزاینده به بودجه عمومی، نیازمندان واقعی نیز در عمل، نادیده گرفته می‌شوند و اصل مولدبودن نیز به‌طور جدی به‌گونه‌ای منفی تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. با ادامه این روند، آموزه مصرف‌به‌اندازه و بی‌اسراف نیز نادیده گرفته می‌شود. طرح حمایت / کمک معیشتی خانوار که در ۲۴ آبان ۱۳۹۸ و پس از آغاز سهمیه‌بندی بنزین اعلام شد نیز اگر بدون تغییر و با شمول و برنامه اعلام‌شده اولیه، استمرار یابد، هزینه به‌نسبت فراگیر نابه‌جایی خواهد شد که به هزینه هنگفت یارانه‌های نقدی گذشته افزوده و تعدیل آن در زمان مناسب، بسیار دشوار خواهد بود. این دو طرح، برخلاف ظاهر اولیه‌شان، در عمل با عدالت اقتصادی و حتی اهداف رسمی اعلام‌شده در طراحی و اجرا، به‌معنای واقعی آن منافات دارند.

۱. بعید به‌نظر می‌رسد لزوماً دانشی که «سلطان» و عامل اقتدار قلمداد می‌شود نیز این دانش صرفاً مبتنی بر محفوظات رسوب‌کرده و غیرخلاق طوطی‌وار (مقلدانه) باشد.

سفاقت در اقتصاد، ویرانگر است. برخورد ابلهانه با دارایی‌ها و امور اقتصادی، مجوز مباشرت به اداره و فعالیت‌های اقتصادی و تصمیم‌گیری در این زمینه‌ها را سلب می‌کند. در صورت سلب این مجوز به علت رشد ناکافی و همچنین بلاهت و امثال آنها، باید آزمون (اختبار) صورت گیرد و به هر صورت، حتی اداره امور فرد سفیه - و صغیر و مجنون - برعهده خود او گذاشته نمی‌شود؛ چه برسد به واگذاری امور جامعه به سفها (و لا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُم).

کسانی که در دوران مدیریت خود، با تلف کردن دارایی‌های عمومی و ضایع کردن آشکار اقتصاد داخلی و اختصاص منابع به فعالیت‌های زیان‌بار به انحراف اقتصادی منجر شده‌اند، مطابق رویه آزمون (اختبار)^۱ رشد و عقل و... رفتار آنها باید بررسی و در صورت احراز نشدن این ویژگی‌ها، واگذاری مسئولیت حاکمیتی به این افراد، خلاف مصرحات شرعی قلمداد می‌شود. نظارت استصوابی، بخشی از بررسی با ملاک قراردادن این اصل شاکله‌ساز به نظر می‌رسد؛ در حالی که، شرایط نام‌نویسی برای داوطلب شدن در برخی مسئولیت‌ها، از جمله نمایندگی مجلس، حتی زمینه بخشی از این اختبار را نیز دربر نمی‌گیرد.

۱. از نظر فقهی، اختبار هر کس (مرد و زن)، باید در مدتی متناسب که فرصت آزمون در این مدت فراهم شود و همچنین مناسب شأن او (فرد مورد آزمون) صورت گیرد. خرید و فروش و اجاره‌دادن و اجاره‌کردن و رسیدگی به برخی کارها مانند مباشرت به خرج کردن در مصالح خود و مصالح ولی و اداره امور منزل، از جمله موارد آزمون است. در صورت احراز دقت و زیرکی و مراقبت برای مغیوب نشدن و ضایع نکردن مال و مصرف کردن به جا و مطابقت رفتار فرد با جریان عادی عقلانی و اموری از این قبیل، فردی که صلاحیت و اهلیت او احراز شده باشد، مجاز به تصرف می‌شود.



منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مشکینی و فولادوند.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). **علل الشرائع**، ۲ جلد، قم، کتاب فروشی داوری.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله)، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دسترسی در <http://farsi.khamenei.ir>.
- تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). **تصنیف غررالحکم و دررالکلم**، تحقیق مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات.
- جمعی از نویسندگان، با نظارت ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۱). **تفسیر نمونه**، ۲۸ جلد، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ دهم.
- حکیمی، محمدرضا و محمد حکیمی و علی حکیمی (۱۳۸۰). **الحیة**، ۶ جلد، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق). **قرب الإسناد**، ۱ جلد، قم، مؤسسه آل‌البتیة.
- دژی نوگورانی، حسین و اصغر صالح اصفهانی (۱۳۹۲). **اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران**، تحلیل مبانی و برخی اصول راهنمای کاربردی. تهران، ناجی نشر.
- الطباطبائی، السید محمدحسین (۱۳۹۰ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**، ۲۰ جلد، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
- عمار، محمد اسماعیل (۱۳۹۱). «رابطه استقلال و پیشرفت سیاسی در الگوی پیشرفت اسلامی»، معرفت، سال ۲۱، شماره ۱۷، فروردین.
- غلامی، علی و علی بهادری جهرمی (۱۳۹۲). «مفهوم، ماهیت و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام»، فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۱، بهار.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). **الکافی**، ۸ جلد، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامية.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۴). **سیری در نهج البلاغه**، چاپ دوم، صدرا.
- موسوی خمینی (ره)، سید روح الله (۱۳۷۸). **صحیفه نور**، ۲۲ جلد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسی زاده، ابراهیم (تابستان ۱۳۸۷). «تأملی در مفهوم، ماهیت و جایگاه حقوقی سیاست‌های کلی نظام»، فقه و حقوق، سال پنجم، شماره ۱۷.

- Reich, U. (2001). *National Accounts and Economic Value: A Study in Concepts*. Palgrave.



